

زمین شناسی، دگرسانی، کانی سازی و پی جویی های ژئوشیمیایی در منطقه اکتشافی سیمرغ، جنوب غرب نهبندان، خراسان جنوبی

رضا برآبادی، سید احمد مظاهری*، محمدحسن کریم پور

گروه زمین شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه فردوسی مشهد

(دریافت مقاله: ۹۳/۷/۲۲، نسخه نهایی: ۹۳/۱۰/۱۸)

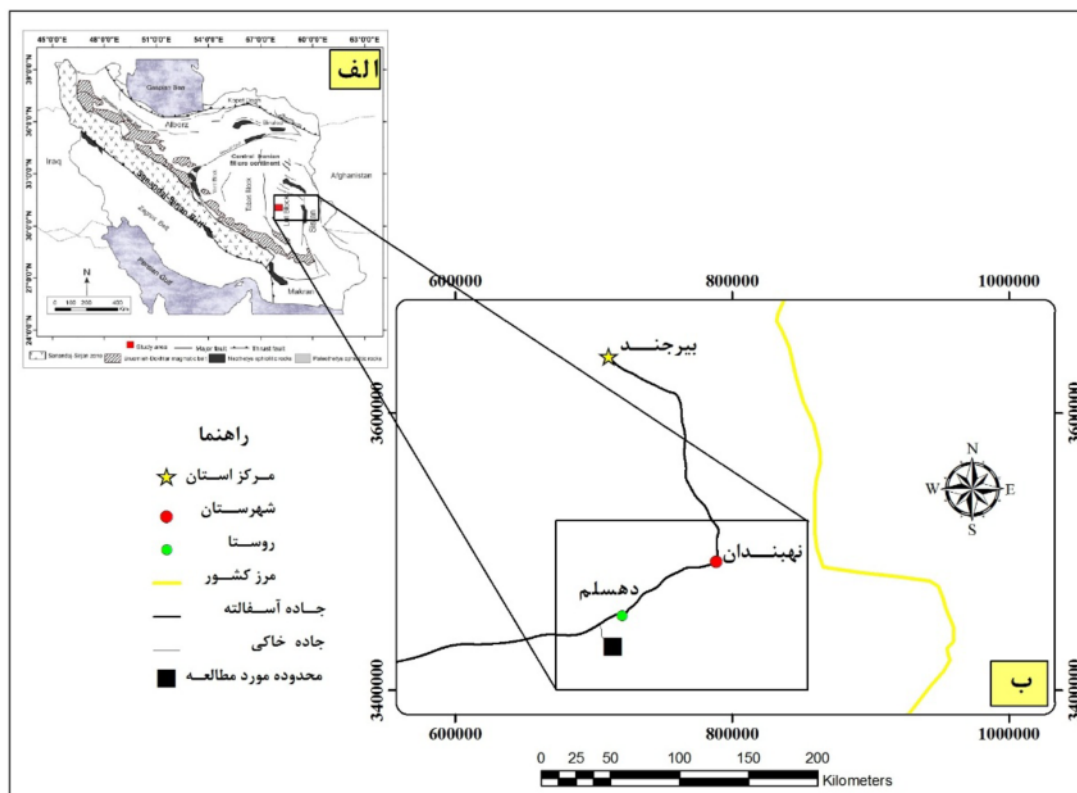
چکیده: منطقه سیمرغ در ۱۱۳ کیلومتری جنوب غربی نهبندان قرار دارد. پی جویی اولیه با استفاده از داده های ماهواره ای سنجنده آستر به روش نقشه برداری زاویه ی طیفی، برای مشخص کردن منطقه های احتمالی دگرسانی و مقایسه ی آن با مشاهدات صحرایی، نتایج رضایت بخشی را فراهم کرد. این گستره شامل برونزدهایی از آتشفشانی های ائوسن است که واحدهای متعدد نیمه عمیق در آن ها نفوذ کرده اند. دگرسانی های اصلی عبارتند از پروپیلیتیک، آرژیلیک، سیلیسی و سرسیتیک. کانی سازی پیریت در سطح به صورت افشان و برش های گرمابی مشاهده می شود. بیشترین مقدار طلا ۹۳ میلی گرم در تن، آرسنیک ۳۵ گرم در تن و مولیبدن ۳۳ گرم در تن برآورد شدند. کانی سازی پراکنده و همراه با برش های گرمابی، گسترش دگرسانی ها و نیز ارتباط آن ها با سنگ شناسی و زمین شناسی ساختاری، نشانه ی حضور یک کانسار نوع طلای اپی ترمال با میزبان برشی است.

واژه های کلیدی: برش گرمابی؛ دگرسانی سرسیتیک؛ طلای اپی ترمال؛ سیمرغ.

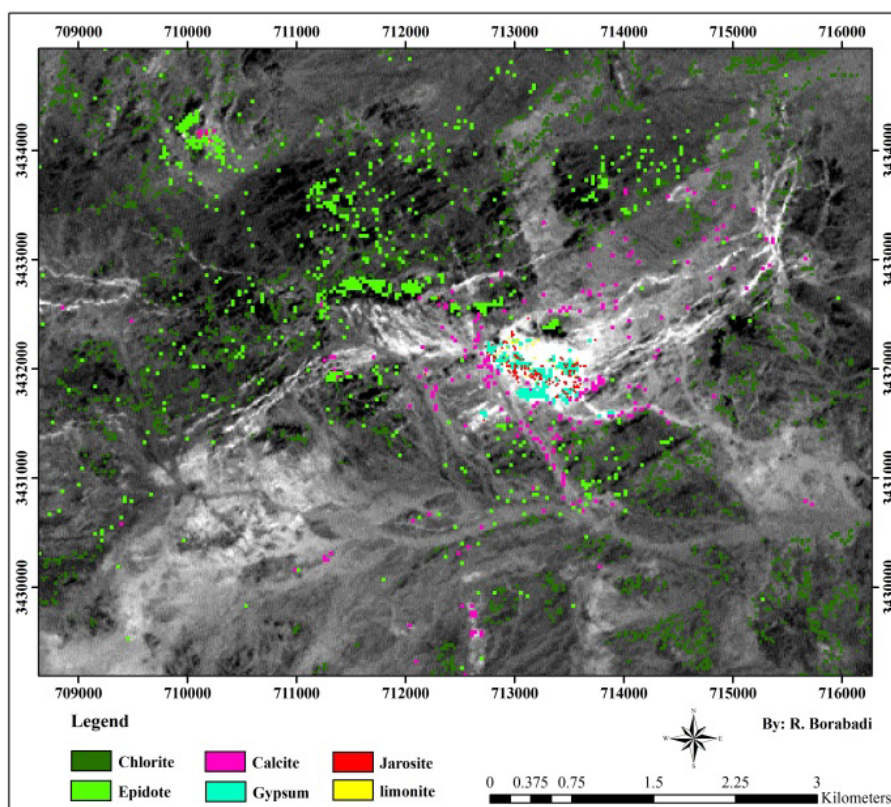
مقدمه

منطقه ی مورد بررسی با وسعت ۴۰ کیلومتر مربع در ۱۱۳ کیلومتری جنوب غربی شهرستان نهبندان (شکل ۱ الف و ب)، در بخش جنوبی نقشه ی ۱:۲۵۰۰۰ ده سلم [۱] و در شمال برکه ی ۱:۲۵۰۰۰ نخیل آباد (آبسرد) [۲] در گستره ی بین طول های جغرافیایی ۵۹° ۱۱' ۵۹" تا ۵۹° ۱۵' ۵۶" شرقی و عرض های جغرافیایی ۳۱° ۰۱' ۳۷" تا ۳۰° ۴۳' ۵۸" شمالی قرار دارد. بلندترین ارتفاع منطقه، وابسته به برونزد توده ی گرانیوتوئیدی شاهکوه و به ارتفاع ۲۷۳۲ متر است (اکرمی و نادری، ۱۳۸۴) [۳]. روستای دهسلم تنها آبادی نزدیک به منطقه است. اگر از روستای ده سلم ۱۵ کیلومتر در جاده آسفالت به سمت غرب و سپس ۲۵ کیلومتر در جاده ی خاکی به سمت جنوب حرکت کنیم به محدوده ی سیمرغ می رسیم. این منطقه از نظر تقسیم بندی های زمین ساختاری، در بخش مرکزی ایالت زمین ساختاری بلوک لوت واقع شده است [۴]

(شکل ۲). در این بلوک کانی سازی طلای وراگما در منطقه ی خونیک گزارش شده است [۵-۸]. همچنین کانی زایی مس پورفیری در بلوک لوت به اثبات رسیده است [۹-۱۲]. بر مبنای سال سنجی های صورت گرفته به روش U-Pb، روی کانی زیرکن توده های نفوذی نیمه عمیق مختلف در بلوک لوت، سن این توده های از ۴۳/۳ میلیون سال در کیبرکوه در شمال، تا ۳۳/۳ میلیون سال در چاه شلجی در جنوب کاهش می یابد [۱۳]. متأسفانه به دلیل دور افتاده بودن منطقه و نبودن راه های دسترسی مناسب، بدی شرایط آب و هوا و نا امنی، کار زیادی در منطقه انجام نشد، ولی نقشه ی زمین شناسی و دگرسانی منطقه در مقیاس ۱:۲۰۰۰۰ تهیه شده است [۱۴]. هدف این مقاله، ارائه ی نقشه های زمین شناسی، دگرسانی، کانی سازی و ژئوشیمی با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ و ۱:۱۰۰۰ برای معرفی گستره ی پی جویی سیمرغ به عنوان یک گستره ی مستعد برای پی جویی کانی سازی طلای وراگما با میزبان برشی است.



شکل ۱ موقعیت منطقه‌ی مورد بررسی الف) در بلوک لوت. با تغییرات از [۵-۷] ب) و راه دسترسی به آن.



شکل ۲ پردازش تصاویر سنجده آستر برای کانی‌های کلریت، اپیدوت، کلسیت، ژپس، ژاروسیت و لیمونیت.

روش بررسی

کارهای زیر برای بررسی منطقه صورت گرفته‌اند:

۱- پردازش تصاویر ماهواره‌های ASTER به‌منظور جدایش منطقه‌های دگرسان و شدت و پراکندگی آن‌ها با استفاده از نرم افزار ENVI 4.2

۲- برداشت ۲۷۸ نمونه از منطقه و تهیه و بررسی ۲۵۰ مقطع نازک در راستای سنگ‌شناسی و چگونگی دگرسانی.

۳- تهیه و بررسی ۲۵ مقطع نازک صیقلی برای آگاهی از چگونگی کانی‌سازی.

۴- تهیه نقشه زمین‌شناسی با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ از گستره‌ی مورد نظر به وسعت حدود ۴۰ کیلومتر مربع.

۵- تهیه نقشه زمین‌شناسی با مقیاس ۱:۱۰۰۰ از گستره‌ی به گستردگی حدود ۱/۵ کیلومتر مربع

۶- تهیه نقشه‌ی دگرسانی با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ از گستره‌ی مورد نظر به وسعت حدود ۴۰ کیلومتر مربع

۷- تهیه نقشه‌ی دگرسانی با مقیاس ۱:۱۰۰۰ از گستره‌ی به گستردگی حدود ۱/۵ کیلومتر مربع.

۹- برداشت، آماده‌سازی و تجزیه‌ی ۲۰ نمونه ژئوشیمیایی سنگی به روش خرده سنگی با دستگاه ICP-MS به روش IEX برای ۴۶ عنصر، در آزمایشگاه ACME کانادا

۱۰- برداشت، آماده‌سازی و تجزیه‌ی ۲۵ نمونه ژئوشیمیایی سنگی به روش خرده سنگی با دستگاه ICP-OES به روش ME-02 برای ۳۳ عنصر، و نیز روش عیارسنجی آذرین برای عنصر طلا در آزمایشگاه زر آزما.

۱۱- ارسال ۱۰ نمونه از برش‌های گرمایی برای آنالیز XRD به آزمایشگاه کانساران بینالود برای تعیین و شناسایی نوع کانی‌های رسی.

بررسی‌های دورسنجی

در دهه‌های اخیر با بررسی‌های حاصل از دورسنجی و به کارگیری داده‌های ماهواره‌های برای آشنایی با منطقه‌های دگرسان، مورد توجه خاصی قرار گرفته‌اند [۱۶، ۱۵]. روش‌های نوین پردازش تصاویر ماهواره‌ای در بررسی‌های اکتشافی و زمین‌شناسی مورد استفاده بسیاری از قرار گرفته شده است [۱۸، ۱۷]. داده‌های چند طیفی ASTER از سال ۲۰۰۰ برای بررسی زمین‌شناسی و کانی‌سازی مورد بررسی قرار گرفته‌اند [۱۹]. با پردازش داده‌های ماهواره‌های ASTER به‌منظور تهیه نقشه‌های معرف منطقه‌های دگرسان و کانی‌سازی، می‌توان با کمترین هزینه و صرف کمترین زمان، مکان‌های مناسب

کانی‌سازی را انتخاب کرد. تفاوت طیفی سنگ‌های دگرسان و نادگرسان، مهم‌ترین راه تشخیص نواحی با سنگ‌های دگرسان و به دنبال آن پی‌جویی کانسارها با پردازش تصاویر ماهواره‌های بوده‌اند. منطقه‌ی پی‌جویی سیمرغ جزء مناطق خشک و کویری کشور است و به علت نداشتن پوشش گیاهی، برای پردازش تصاویر ماهواره‌های و شناسایی مناطق دگرسان احتمالی، با صرف زمان کم مناسب است. بررسی‌های دورسنجی در این منطقه با استفاده از داده‌های ماهواره‌های ASTER انجام گرفت. برای پردازش این تصاویر از روش جدایشی نقشه برداری زاویه طیفی (Spectral Angel Mapper) SAM استفاده شد. کانی‌های شناسایی شده از نتایج این بررسی‌ها عبارتند از سیلیس، دیکیت، ایلیت، کائولینیت، پیروفیلیت، مونتموریونیت، کلریت و اپیدوت، کلسیت لیمونیت و ژاروسیت. شدت و گسترش پراکندگی این کانی‌ها منجر به شناسایی و جدایش دگرسانی‌های مختلفی شده است. دگرسانی آرژیلیک (کانی‌های دیکیت، ایلیت، کائولینیت) در بخش مرکزی تصویر گسترش یافته است (شکل ۲). دگرسانی سیلیسی در مرکز گستره قابل شناسایی است. که با توجه به گسترش نسبتاً زیاد، از نظر پی‌جویی از اهمیت بالایی برخوردار است. دگرسانی پروپیلیتیک (کانی‌های اپیدوت، کلریت، کربنات) در سرتاسر منطقه مشاهده می‌شوند (شکل ۳). حضور این کانی‌های دگرسان با بررسی‌های دقیق صحرایی نیز به اثبات رسیده است.

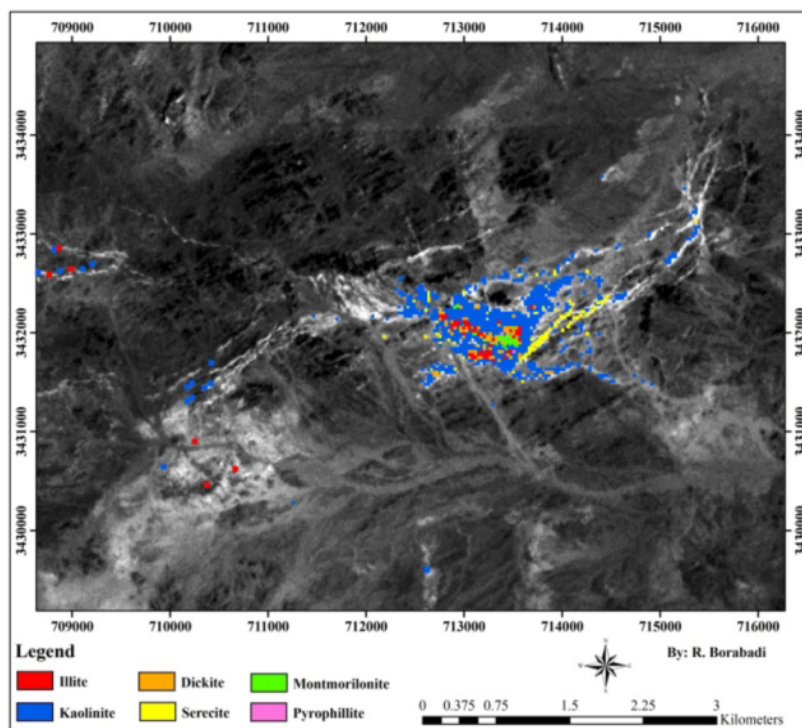
زمین‌شناسی

گستره‌ی پی‌جویی سیمرغ از نظر زمین‌شناسی ناحیه‌ای در بخش جنوبی پهنه‌ی ۱:۲۵۰۰۰۰ ده سلم [۱] و بخش شمالی پهنه‌ی ۱:۲۵۰۰۰۰ نخیل آباد (آبسر) [۲] قرار گرفته است. بنابراین نقشه‌ها بخش بیشتر منطقه شامل گدازه‌های آندزیتی و معادل‌های نیمه عمیق، توف‌های سبز و خاکستری با ترکیب اسیدی تا حد واسط با سن ائوسن است.

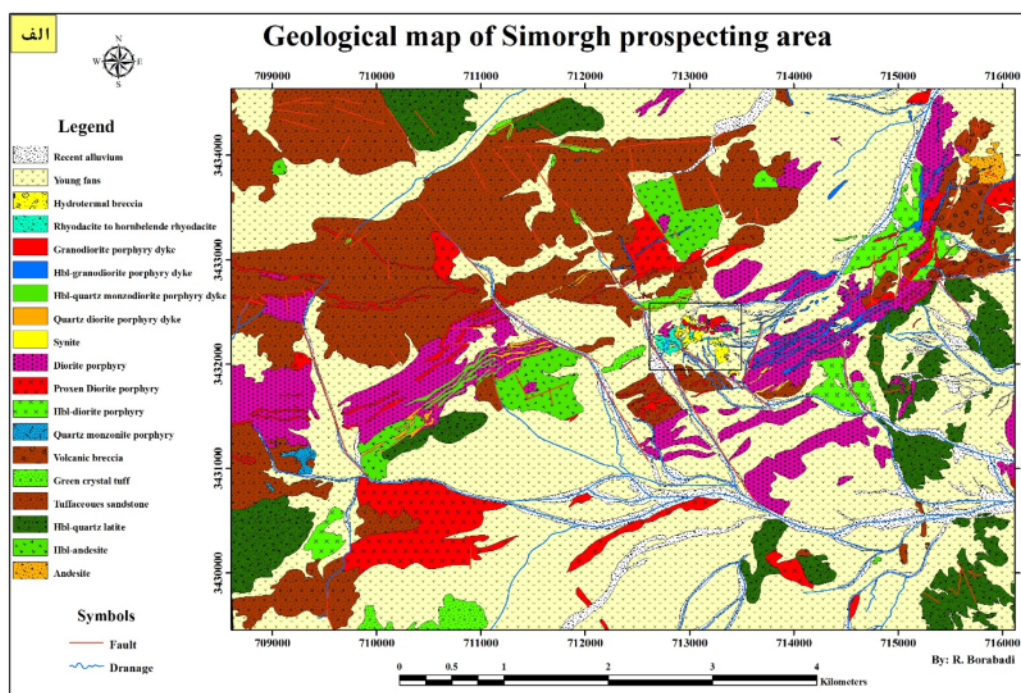
براساس بررسی‌های صحرایی و آزمایشگاهی انجام شده، واحدهای زمین‌شناسی شناسایی شده در گستره‌ی پی‌جویی سیمرغ را می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد: ۱- سنگ‌های آتشفشانی (هورنبلند کوارتز لاتیت و هورنبلند آندزیت) و پیروکلاستیک ائوسن (شکل ۳ و ۴) که بخش زیادی از سطح منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. ۲- توده‌های نیمه عمیق با ترکیب دیوریت پورفیری با سن نسبی پسا ائوسن که با شدت-های مختلف دگرسان شده‌اند. ۳- دایک‌های سفید با عرض کم (۱ تا ۱۰ متر) و طول زیاد (۱۰۰ تا ۳ کیلومتر) با روند تقریباً

کانی‌سازی پیریت (در مرکز منطقه) ۵- انواع مختلف برش‌های گرمایی که در مرکز منطقه رخمون دارند. ۵- رسوب‌ها و ته‌نشست‌های کواترنری.

شمال شرقی - جنوب غربی با ترکیب اسیدی تا حد واسط در حد سینیت پورفیری تا گرانودیوریت پورفیری که در داخل دو واحد قبلی نفوذ کرده‌اند. ۴- سنگ‌های آتشفشانی جوان با سن پسا ائوسن با ترکیب ریوداسیت تا هورنبلند ریوداسیت دارای



شکل ۳ پردازش تصاویر سنجنده آستر برای کانی‌های ایلیت، کائولینیت، دیکیت، سرسیت، مونتموریونیت و پیروفیلیت.



شکل ۴ نقشه‌ی زمین‌شناسی گستره‌ی پی جویی سیمرغ (الف) با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ (ب) با مقیاس ۱:۱۰۰۰.

توده‌های نفوذی نیمه‌عمیق نوع I

- دیوریت پورفیری که بیشترین گسترش را در شرق، مرکز و غرب منطقه دارد (شکل ۴). دارای بافت سنگ پورفیری است. درشت بلورهای تشکیل دهنده سنگ شامل ۳۰ تا ۳۵ درصد پلاژیوکلاز و ۲ تا ۴ درصد فلدسپات پتاسیم است. زمینه سنگ نیز عبارتند از کانی‌های یاد شده، کربنات و کلریت هستند و بلورهای پلاژیوکلاز نیز به سرسیت تبدیل شده‌اند. دگرسانی این واحد کربناتی + کلریتی + سرسیتی است. ۴ تا ۵ درصد بلورهای مگنتیت در زمینه قابل رویت‌اند.

- پیروکسن دیوریت پورفیری که بیشتر در جنوب غرب و شمال منطقه گسترش یافته است. این واحد بسیار شبیه به واحد قبلی است با این تفاوت که حدود ۵ تا ۱۰ درصد پیروکسن نوع اوژیت و کمتر دیوپسید در آن مشاهده می‌شود.

- هورنبلند دیوریت پورفیری در شرق منطقه رخنمون دارد. این توده شبیه به واحد دیوریت پورفیری است، ولی حدود ۳ تا ۵ درصد هورنبلند در آن قابل رویت است.

- کوارتز مونزونیت پورفیری در غرب منطقه (شکل ۴) رخنمون دارد. بافت سنگ پورفیری است. درشت بلورهای تشکیل دهنده سنگ شامل ۲۵ تا ۲۰ درصد پلاژیوکلاز، ۱۰ تا ۱۲ درصد فلدسپات پتاسیم و ۳ تا ۵ درصد هورنبلند است. زمینه سنگ نیز شامل کانی‌های یاد شده همراه با دگرسانی کربناتی + کلریتی + سرسیتی است. در این واحد زمینه سنگ دارای کربنات و کلریت است و بلورهای درشت پلاژیوکلاز ۵۰ درصد به سرسیت تبدیل شده‌اند. علاوه بر این حدود ۴ تا ۵ درصد بلورهای شکل‌دار کدر (مگنتیت) در زمینه قابل رویت‌اند.

در این پژوهش دو مجموعه توده‌ی نفوذی نیمه عمیق با دو سن مختلف شناسایی شده‌اند. دسته‌ی اول، چهار توده‌ی نفوذی نیمه عمیق که به دلیل داشتن رنگ سبز در صحرا از دسته‌ی دوم تمیز داده می‌شوند. این توده‌ها عبارتند از دیوریت پورفیری، پیروکسن دیوریت پورفیری، هورنبلند دیوریت پورفیری، کوارتز مونزونیت پورفیری. در تمام این توده‌ها مگنتیت به میزان ۳ تا ۵ درصد در زمینه سنگ موجود است و پذیرفتاری مغناطیسی آن‌ها نیز بین $10^{-5} \text{SI} \times 10^{-6}$ تا $10^{-5} \text{SI} \times 6132$ متغیر است. بنابراین این توده‌ها از نوع گرانیتهای نوع I خواهند بود [۲۰]. دسته دوم، پنج نوع توده‌ی نفوذی نیمه عمیق به شکل آب بندهای سفید رنگی هستند که با عرض حدود ۱ تا ۱۰ متر و طول بین ۱۰۰ متر تا ۳ کیلومتر در سطح منطقه دیده می‌شوند (شکل ۵) که تمام واحدهای قبلی را قطع می‌کنند، بنابراین از نظر سنی از آن‌ها جوانترند. تعداد این آب بندها در سطح منطقه به حدود ۶۰ آب بند می‌رسد. از نظر ترکیب این آب بندها شامل گرانودیوریت پورفیری، هورنبلند گرانودیوریت پورفیری، هورنبلند کوارتز مونزودیوریت پورفیری، کوارتز دیوریت پورفیری و سینیت هستند. در زمینه‌ی این توده‌ها مگنتیت دیده نشد و میزان پذیرفتاری مغناطیسی آن‌ها نیز بین $10^{-5} \text{SI} \times 10^{-6}$ تا $10^{-5} \text{SI} \times 15$ در تغییر است. بنابراین این توده‌ها به نظر شواهد گرانیتهای نوع S را نشان می‌دهند [۲۰]. در زیر به بررسی سنگ‌نگاری واحدهای نیمه عمیق منطقه می‌پردازیم:



شکل ۵. نمایی از دایک‌های موجود در منطقه‌ی الف. دایک هورنبلند گرانودیوریت پورفیری که در واحد کریستال توف نفوذ کرده است. ب. هورنبلند کوارتز مونزودیوریت پورفیری که در واحد دیوریت پورفیری توف نفوذ کرده است.

دایک‌های سفید

می‌شوند.

انواع برش‌های موجود در منطقه

گستره‌ی پی‌جویی سیمرغ به دلیل داشتن شرایط زمین‌شناسی و زمین‌ساختی فعال دارای سه نوع برش است، که به ترتیب به بررسی و تفسیر هر کدام خواهیم پرداخت.

۱- توف‌های برشی: بیشترهای موجود در منطقه ماسه سنگ‌های توفی با لایه‌بندی کاملاً مشخص هستند که در صحرا با رنگ قهوه‌ای تیره دیده می‌شوند. در برخی نقاط این ماسه سنگ‌های توفی به رنگ سبز تغییر رنگ داده‌اند و برشی شده‌اند (شکل ۶ الف). کوارتز، پلاژیوکلاز و فلدسپات قلیایی هستند که در این سنگ‌های برش یافته را تشکیل می‌دهند و سیمان سیلیسی-اپیدوتی فضای خالی بین این بلورها را پر کرده است. اپیدوت به وفور (۱۰ تا ۱۵ درصد) و مقادیر کمتری از کلریت و کربنات در زمینه‌بین برش‌ها دیده می‌شود. این برش‌ها به دلیل داشتن اپیدوت فراوان (شکل ۶ ب) و به رنگ سبز روشن در صحرا به راحتی قابل شناسایی هستند.

۲- برش‌های آتشفشانی: این واحد با ریخت‌شناسی پست و رنگ قهوه‌ای در صحرا و در نمونه دستی قابل تشخیص است (شکل ۶ پ). بیشترین گستردگی این واحد در شرق و جنوب شرقی گستره دیده می‌شود. این برش‌ها دارای ۱۰ تا ۱۲ درصد کوارتز با بافت خلیجی هستند. فلدسپات قلیایی نیز بین ۲۵ تا ۳۰ درصد در آن‌ها دیده می‌شود. قطعاتی از سنگ‌های بیگانه با ترکیب آندزیت و قطعاتی از برش‌های از قبل موجود (شکل ۶ ت)، نیز درون این برش‌ها قابل رویت‌اند.

۳- برش‌های گرمایی: از برش‌های گرمایی در بسیاری از نقاط ایران و جهان کانی‌سازی طلا و نقره پورفیری- وراگما [۲۱]- [۲۳] و نقره - طلای وراگما با میزبان برشی [۲۴] و مولیبدن پورفیری نوع کلایمکس [۲۵] گزارش شده است. برش‌های گرمایی در این منطقه با وسعتی حدود 700×750 متر مربع در بخش میانی منطقه رخنمون دارند. این واحد با ریخت-شناسی تپه ماهوری و به‌رنگ سفید کامل در صحرا قابل شناسایی است. برش‌های گرمایی این منطقه بین ۰/۵ تا ۵ درصد پیریت دارند. این پیریت‌ها در اکثر موارد کاملاً شکل‌دار و در بعضی موارد نیمه شکل‌دار هستند و با رنگ زرد کم رنگ در نمونه دستی کاملاً قابل رویت هستند. اندازه‌ی این پیریت‌ها از ۰/۱ میلی‌متر تا ۲ میلی‌متر در تغییر است. کانی‌سازی پیرت به سه شکل افشان در زمینه، افشان در قطعات سنگی موجود درون برش و به‌صورت رگچه‌ای در این برش‌ها تشکیل شده‌اند.

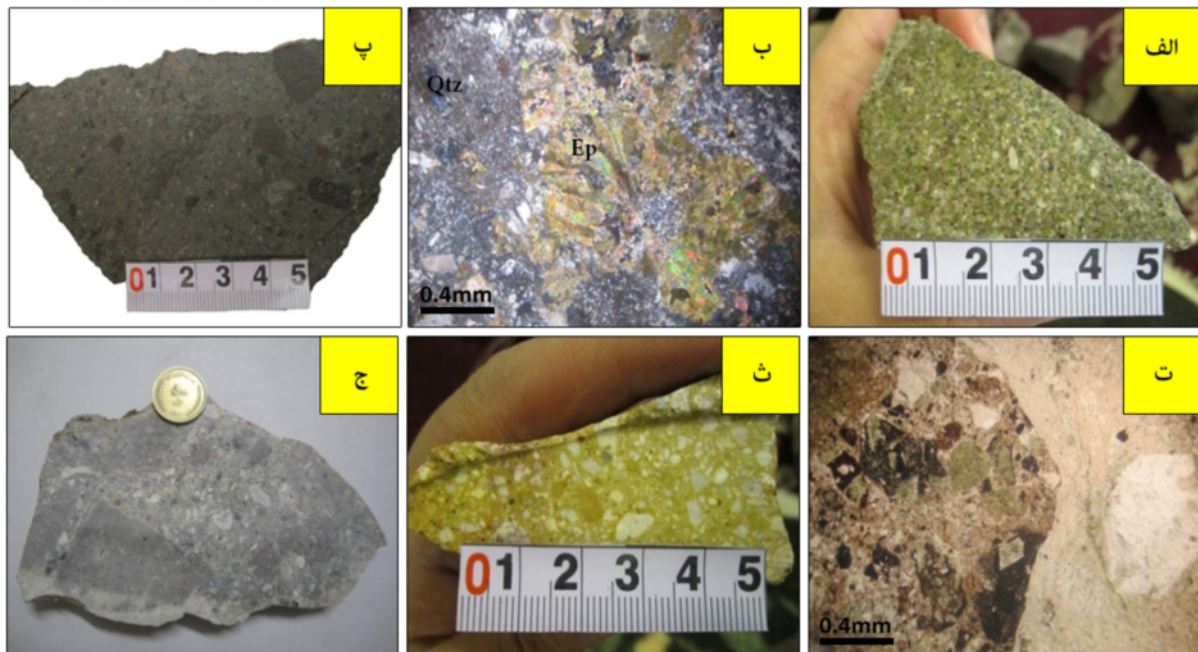
-گرانودیوریت پورفیری که بیشتر به‌صورت آب‌بندهای سفید در غرب و شمال شرق منطقه گسترش یافته است (شکل ۵ الف). بافت این واحد پورفیری با زمینه‌ی میان دانه‌ی تا ریزدانه است. کانی‌های درشت مهم این واحد شامل، پلاژیوکلاز ۵ تا ۱۰ درصد، فلدسپات پتاسیم ۱ تا ۲ درصد و در زمینه سنگ کوارتز اولیه به‌صورت ریز دانه به فراوانی (۳۰ تا ۳۵ درصد) دیده می‌شوند. درشت بلورهای پلاژیوکلاز نیز حدود ۵ تا ۱۰ درصد به سرسیت تبدیل شده‌اند. در زمینه نیز حدود ۴ تا ۵ درصد بلورهای کوارتز ثانویه دیده می‌شوند.

- هورنبلند گرانودیوریت پورفیری به‌صورت دسته آب‌بندهای سفید در مرکز، شمال و شمال شرق منطقه گسترش یافته است. این توده شبیه به واحد دیوریت پورفیری است، ولی حدود ۲ تا ۴ درصد هورنبلند در آن قابل رویت است.

- هورنبلند کوارتز مونزودیوریت پورفیری به‌صورت دسته آب‌بندهای سفید با روند شمال شرقی- جنوب غربی در غرب منطقه گسترش یافته است (شکل ۵ ب). بافت این واحد پورفیری و گلومروپورفیری با زمینه دانه متوسط تا دانه ریز است. کانی‌های درشت شامل، کوارتز ۵ تا ۷ درصد، پلاژیوکلاز ۱۰ تا ۱۵ درصد، فلدسپات قلیایی ۵ درصد، ۳ تا ۴ درصد هورنبلند. درشت بلورهای پلاژیوکلاز نیز حدود ۵ تا ۸ درصد به سرسیت تبدیل شده‌اند. در زمینه نیز حدود ۳ تا ۵ درصد بلورهای اکسید شده پیریت دیده می‌شوند.

-کوارتز دیوریت پورفیری به‌صورت چند دسته دایک با روند شمال شرقی- جنوب غربی در غرب منطقه قابل مشاهده هستند (شکل ۴). بافت این واحد پورفیری با زمینه میان دانه تا ریزدانه است. کانی‌های درشت شامل، کوارتز ۶ تا ۸ درصد، پلاژیوکلاز ۱۰ تا ۱۵ درصد، فلدسپات قلیایی ۱ تا ۲ درصد. درشت بلورهای پلاژیوکلاز نیز حدود ۵ تا ۱۰ درصد به سرسیت تبدیل شده‌اند. در زمینه نیز حدود ۳ تا ۴ درصد بلورهای اکسید شده پیریت دیده می‌شوند.

- سینیت پورفیری به‌صورت چند آب بند کوچک در مرکز محدوده با روند شمال شرقی- جنوب غربی رخنمون دارند. بافت این توده پورفیری با زمینه‌ی درشت دانه است. کانی‌های تشکیل دهنده‌ی این سنگ شامل کوارتز ۲ درصد، فلدسپات قلیایی ۵۰ درصد، پلاژیوکلاز ۲۰ درصد. در این واحد فلدسپات‌ها تا حدود ۵۰ درصد به سرسیت تبدیل شده‌اند. در زمینه نیز حدود ۳ تا ۴ درصد بلورهای اکسید شده پیریت دیده



شکل ۶ الف. نمونه‌ی دستی توف برشی ب. مقطع میکروسکوپی توف برشی، نور PPL پ. نمونه‌ی دستی برش آتشفشانی ت. قطعه برشی درون آن، نور PPL. نمونه دستی برش گرمابی منو مکتیک با سیمان سیلیسی و ژاروسیت ج. نمونه دستی برش گرمابی پلی مکتیک با سیمان سیلیسی. Ep: اپیدوت، Qtz: کوارتز.

دگرسانی

براساس مشاهدات صحرایی و آزمایشگاهی چهار نوع دگرسانی اصلی در سطح شناسایی شدند که عبارتند از پروپلیتیک، آرژیلیک، سرستیک و سیلیسی. این چهار نوع دگرسانی براساس فراوانی کانی‌های حاصل از دگرسانی به هفده زون منطقه تقسیم شده و در نقشه‌های دگرسانی (شکل ۷ الف و ب) نشان داده شده‌اند. این منطقه‌بندی تا حدودی شبیه به منطقه بندی دگرسانی تعریف شده برای کانسارهای طلای وراگرا توسط [۸، ۲۶] است. در زیر به توضیح چند منطقه‌ی دگرسان مهم موجود در منطقه می‌پردازیم.

زون دگرسانی سرستیک شدید + کربناتی در چند دایک هورنبلند گرانودیوریت پورفیری واقع در مرکز گستره قابل شناسایی هستند. مهم‌ترین کانی‌های این دگرسانی عبارتند از کوارتز + سرستیت + پیریت + کربنات (شکل ۸ الف). در این منطقه پلاژیوکلازها و کمتر فلدسپات‌های قلیایی حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد به سرستیت تبدیل شده‌اند. کوارتز ثانویه نیز به‌صورت پراکنده و به‌صورت رگچه‌ای نیز در متن سنگ دیده شد. پیریت به‌صورت اکسید شده نیز به‌صورت پراکنده تا ۳ درصد و

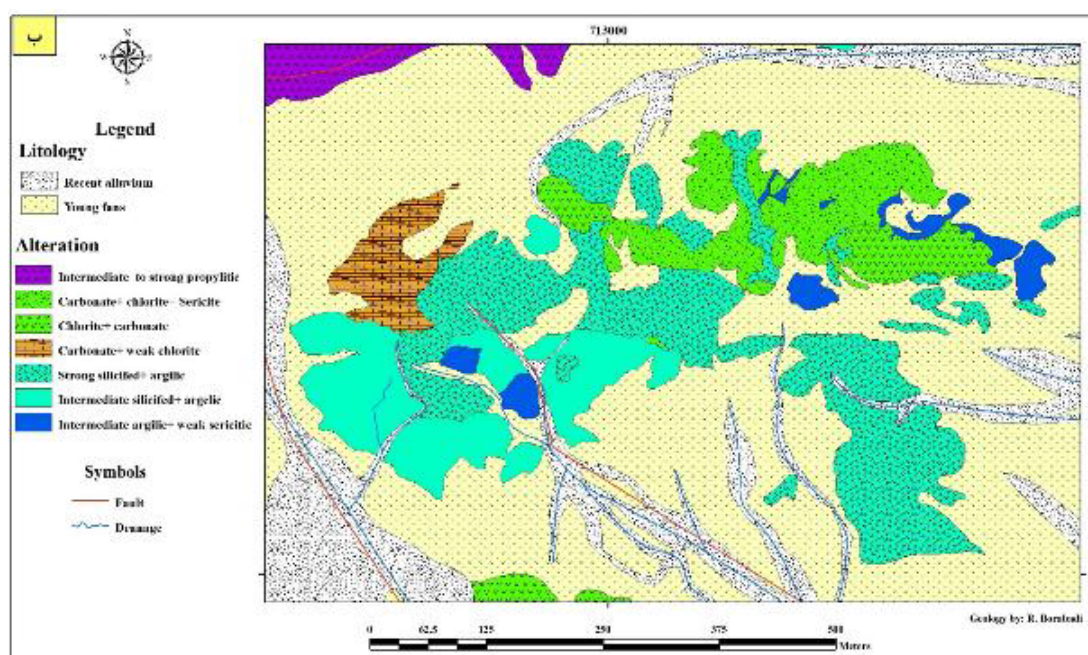
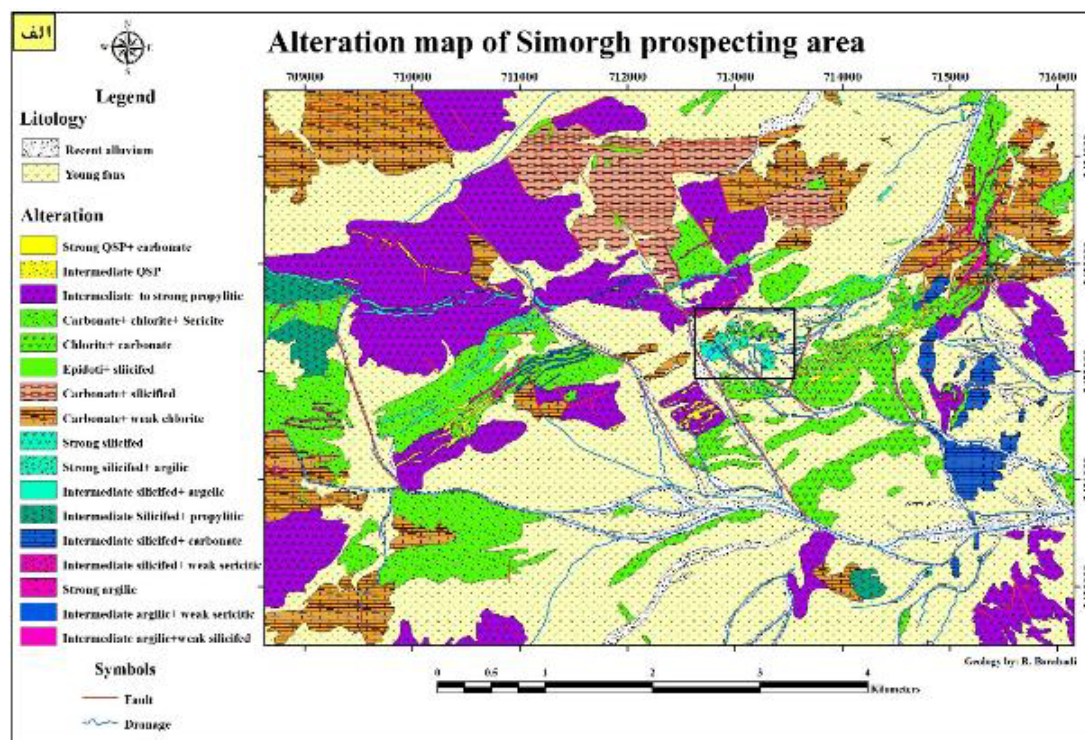
محدوده‌ای در داخل برخی رگچه‌های سیلیسی قابل رویت است. کربنات نیز به‌صورت ثانویه در متن سنگ تا حدود ۵ تا ۱۰ درصد دیده شد.

منطقه‌ی دگرسانی سرستیک متوسط در مرکز گستره و در چند دایک سینیت پورفیری دیده شدند. کوارتز، سرستیت و پیریت مهم‌ترین کانی‌های این دگرسانی هستند (شکل ۸ ب). پلاژیوکلازها و فلدسپات‌های قلیایی بین ۳۵ تا ۴۰ درصد به سرستیت تبدیل شده‌اند. پیریت به‌صورت اکسید نیز به‌صورت پراکنده تا ۳ درصد در زمینه‌ی سنگ وجود دارد.

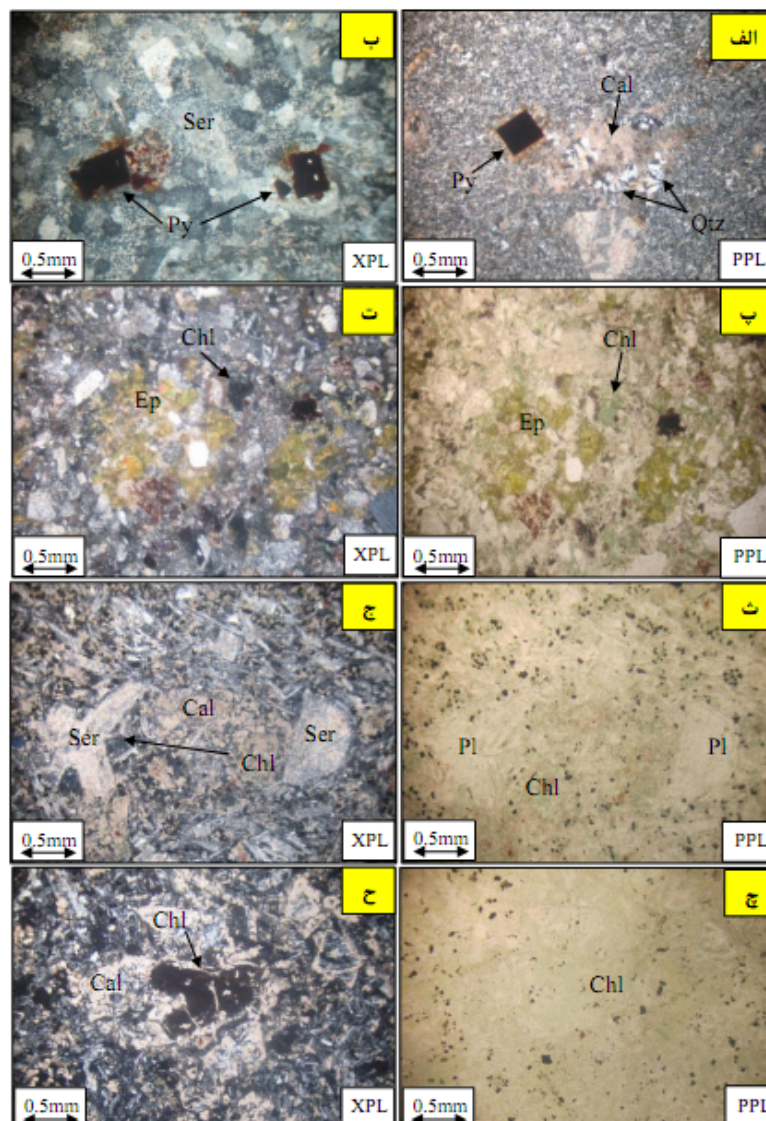
دگرسانی غالب در منطقه‌ی مورد بررسی، دگرسانی پروپلیتیک است که بخش بزرگی از واحدهای سنگی را تحت تاثیر قرار داده است. این نوع دگرسانی بیشتر در بخش‌های شمال‌غرب، غرب و شرق منطقه قابل رویت است بیشتر واحدهای به شدت فشرده، ماسه سنگ‌های توفی، هورنبلند کوارتز لاتیت و هورنبلند آندزیت تحت تاثیر این نوع دگرسانی قرار گرفته‌اند (شکل ۸ پ و ت). شدت این نوع دگرسانی در نقاط مختلف متفاوت است که به‌دلیل محدودیت در نشان دادن آن در نقشه شدت‌های متوسط و شدید را با هم نشان داده‌ایم.

کانی‌ها حاصل دگرسان شدن کانی‌های آهن و منیزیم‌دار و پلاژیوکلازهاست. کانی‌سازی پیریت به‌صورت افشان در این منطقه تا حدود ۱ تا ۱۰ درصد دیده می‌شود.

مهم‌ترین کانی‌های این دگرسانی اپیدوت، کلریت و کربنات و مقادیر کمتری کانی‌های رسی و سیلیس است. مقادیر این کانی‌ها در نقاط مختلف متفاوت است. مقدار اپیدوت بین ۳ تا ۵ درصد، کلریت بین ۲۰ تا ۳۰ درصد تغییر می‌کند. اغلب این



شکل ۷ نقشه‌ی دگرسانی گستره‌ی پی‌جویی سیمرغ (الف) با مقیاس ۱:۱۰۰۰۰ (ب) با مقیاس ۱:۱۰۰۰.



شکل ۸. الف. دگرسانی کوارتز + سرسیت + پیریت + کربنات در دایک هورنبلند گرانودیوریت پورفیری، ب. دگرسانی کوارتز + سرسیت + پیریت در دایک سینیت پورفیری، پ و ت. دگرسانی پروپلیتیک شدید در واحد توف برشی، ث. دگرسانی کربنات + کلریت + سرسیت در توده دیوریت پورفیری و ج. دگرسانی کربنات + کلریت در توده دیوریت پورفیری. Cal: کلسیت، Ep: اپیدوت، Qtz: کوارتز، Chl: کلریت، Ser: سرسیت.

کانی‌زایی

کانی‌زایی در سطح، به صورت افشان و برش گرمابی دیده می‌شود. کانی‌سازی افشان و رگچه‌ای شامل پیریت (۱ تا ۱۰ درصد) در زمینه تمام دایک‌های سفید (شکل ۹ الف و ب) و ریوداسیت‌ها (شکل ۹ پ و ت) منطقه و کانی‌سازی مگنتیت (۲ تا ۶ درصد) درون توده‌های دیوریت پورفیری و پیروکسن و هورنبلند دیوریت پورفیری تشکیل شده‌اند. بیشتر پراکندگی کانی‌سازی افشان پیریت در منطقه‌های سیلیسی و سیلیسی + آرژلیک مشاهده می‌شود. نوع دیگر کانی‌سازی در این منطقه برش گرمابی است. منطقه‌ی برش گرمابی در مرکز گستره، گسترده‌ای به اندازه‌ی ۷۵۰×۷۰۰ متر مربع را به خود اختصاص

منطقه‌ی دگرسانی کربنات + کلریت + سرسیت و کربنات + کلریت بیشتر در غرب، شرق و مرکز منطقه دیده می‌شود. دیوریت پورفیری و پیروکسن دیوریت پورفیری واحدهای سنگی هستند که تحت تاثیر این نوع دگرسانی قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین کانی‌های این دگرسانی عبارتند از کربنات‌های ثانویه، کلریت و سرسیت (شکل ۸ ث تا ح). کربنات‌ها و کلریت به صورت پراکنده در زمینه‌ی سنگ و رگچه‌ای قابل مشاهده هستند. هر سه نوع کلریت سبز، آبی و قهوه‌ای در این نوع دگرسانی در سنگ‌های مختلف رویت شده‌اند. بلورهای درشت پلاژیوکلاز در این سنگ‌ها به شدت سرسیتی شده‌اند و روی آن‌ها را سرسیت به طور کامل پوشانده است.

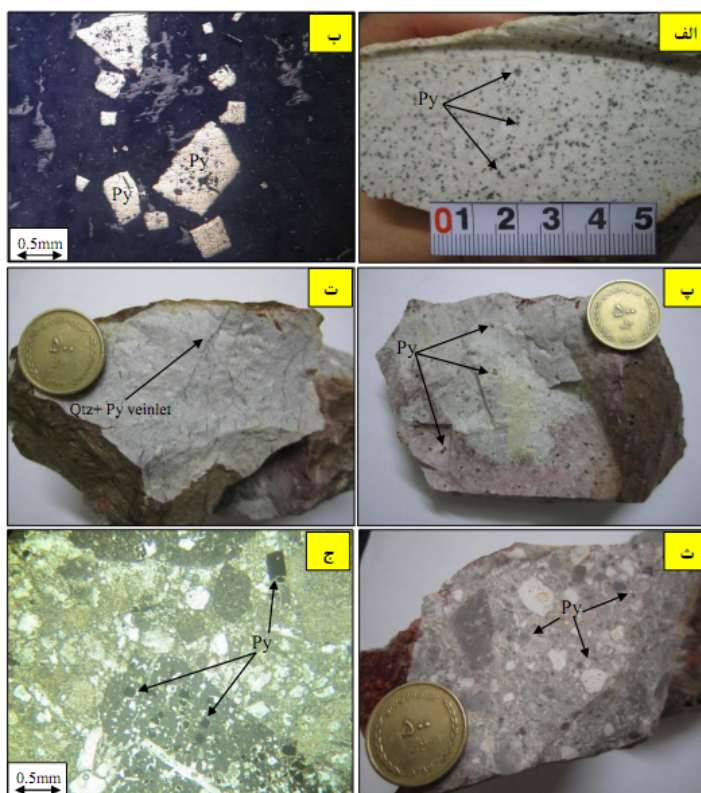
در برخی نمونه‌ها تا ۵ میلیمتر هم می‌رسد.

ژئوشیمی

روش‌های ژئوشیمیایی نقش مهمی در شناسایی بیهنجاری‌های وابسته به کانسارهای دارای رخنمون و فاقد رخنمون دارند [۲۸]. یکی از هدف‌های پی‌جویی ژئوشیمیایی، دستیابی به تمرکز غیر عادی عناصری است که به کانی‌سازی وابسته‌اند. توزیع آماری عناصر اصلی در طبیعت عادی است. در شرایطی که سنگ‌ها تحت تاثیر دگرسانی و کانی‌سازی قرار بگیرند، این توزیع از حالت عادی خارج شده و به شکل غیر عادی در می‌آید [۲۹].

به‌دلیل ریخت‌شناسی پست منطقه‌ی مورد بررسی و وجود ماسه و رسوب‌های بادی در آبراهه‌های منطقه از برداشت نمونه‌های رسوب آبراهه‌ها به عنوان نمونه‌برداری از هاله ژئوشیمیایی ثانویه صرف نظر شد و بررسی‌های ژئوشیمیایی تنها بر روی هاله‌ی لیتو ژئوشیمیایی اولیه متمرکز شدند. در بررسی ژئوشیمیایی بر مبنای سنگ، داده‌های حاصل از ۴۵ نمونه که توسط صاحب محدوده و شرکت در کاو انجام گرفت، مورد بررسی قرار گرفتند.

داده است. این منطقه دارای قطعات ریز و درشت زاویه‌دار از ۱ میلیمتر تا ۱۰ سانتیمترند (شکل ۶ ث و ج). بافت مشاهده شده در این برش‌ها از نوع موزایکی است. در این بافت شکستگی‌ها اندکی گسترش می‌یابند و فاصله‌ی بین قطعات افزایش یافته است. این پدیده در اثر فشار شاره‌های کانی‌ساز می‌تواند ایجاد شود [۲۷]. برش‌های موجود در این منطقه حداقل به دو نوع قابل تقسیم هستند. دسته‌ی اول برش‌های گرمابی پلی مکتیک که دارای قطعات متنوعی از توف، آندزیت و ریوداسیت هستند و دسته دوم برش‌های گرمابی منو مکتیک که قطعات آن تنها ریوداسیت یا هورنبلند ریوداسیت‌هایی هستند که برشی شده‌اند. در نقشه‌ی زمین‌شناسی ۱:۱۰۰۰ (شکل ۴. ب) برش‌های مونو مکتیک بیشتر در بخش مغرب محدوده گسترش دارند و برش‌های پلی مکتیک بیشتر در بخش شرق محدوده دیده می‌شوند. تمامی این برش‌ها با یک سیمان سیلیسی و کلریتی سخت شده‌اند. کانی‌سازی پیریت در برش‌های گرمابی (شکل ۹ ث و ج) در برخی قطعات ریوداسیتی و هورنبلند ریوداسیتی، در سیمان و رگچه‌های کلریتی و به‌ندرت درون رگچه‌های سیلیسی دیده می‌شود. اندازه بلورهای پیریت



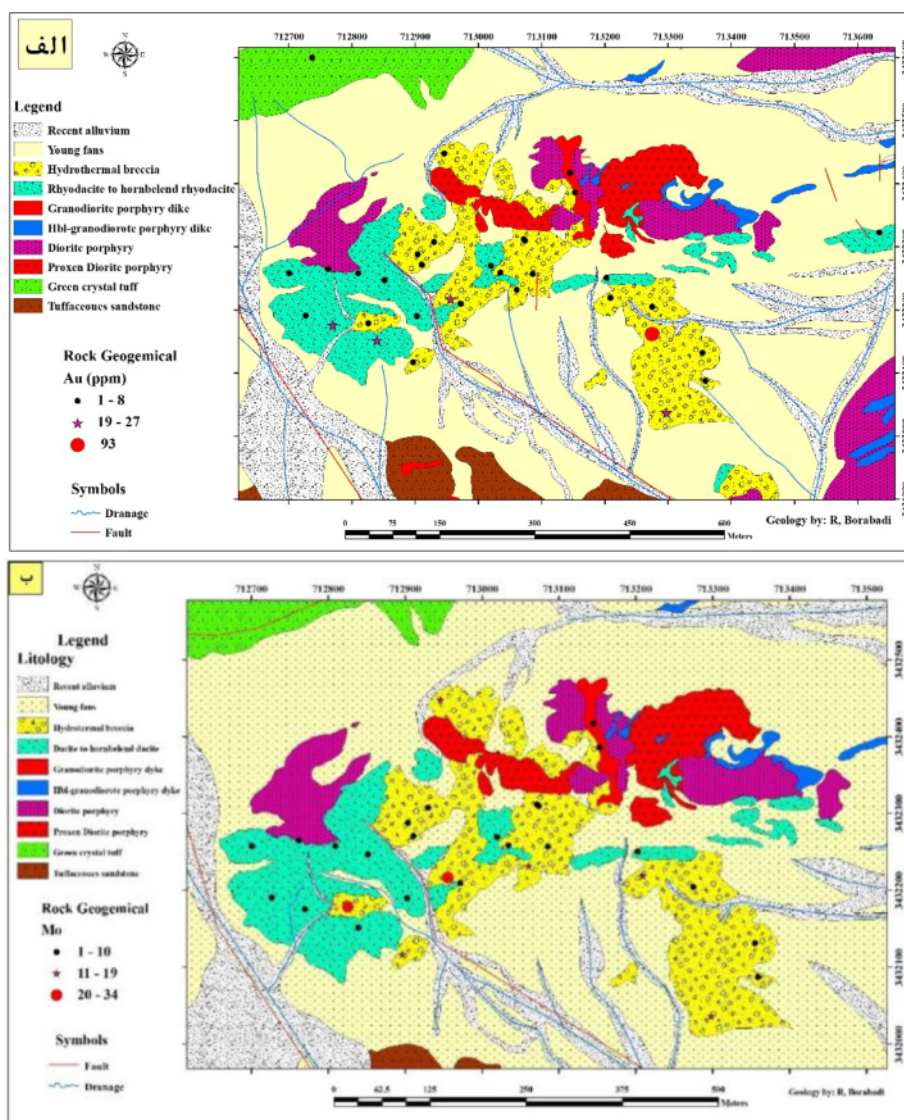
شکل ۹ الف. نمونه‌ی دستی دایک گرانودیوریت پورفیری دارای کانی‌سازی پیریت به‌صورت پراکنده و ب. مقطع میکروسکوپی دایک گرانودیوریت پورفیری (نور بازتابی)، پ. ریوداسیت دارای کانی‌سازی پیریت به‌صورت پراکنده، ت. ریوداسیت دارای رگچه کوارتز + پیریت، ث. نمونه‌ی دستی از برش گرمابی پلی مکتیک دارای کانی‌سازی پیریت هم در زمینه هم در قطعات، ج. مقطع میکروسکوپی از تصویر ث (نور XPL). Py: پیریت.

برداشت این نمونه‌ها از منطقه‌های دگرسان و از محل‌های کانی‌سازی پیریت صورت گرفت. آنالیز نمونه‌های ژئوشیمی برای ۲۰ نمونه به روش ۴ اسید (روش IEX) و اندازه‌گیری با ICP-MS در آزمایشگاه ACME کشور کانادا و برای ۲۵ نمونه برای طلا به روش FireAssay و برای ۳۴ عنصر به روش ME-02 (روش انحلال ۴ اسید) توسط ICP-OES در آزمایشگاه زر آزما انجام شد (جدول ۱). بالاترین مقدار طلا ۹۳ میلی‌گرم در تن در واحد برش گرمایی پلی‌مکتیک با دگرسانی سیلیسی شدید + آرژیلیکی در مرکز محدوده دیده می‌شود

(شکل ۱۰ الف). بالاترین میزان نقره ۰/۴ گرم در تن در واحد ریوداسیتی، حداکثر پراکندگی مولیبدن ۳۴ گرم در تن (شکل ۱۰ ب). آرسنیک ۵۰ گرم در تن، مس ۱۶ گرم در تن، سرب ۵۱ گرم در تن و روی ۱۱۸ گرم در تن بودند. بهنجاری عنصر آرسنیک و تا حدود کمتر در چند مورد بهنجاری عنصر آنتیموان در منطقه دیده می‌شود. این عناصر به عنوان ردیاب فوق کانسازی همراه با کانسارهای طلای وراگرما یافت می‌شوند و گاه خود تشکیل یک ذخیره‌ی اقتصادی را می‌دهند [۳۰].

جدول ۱ نتایج حاصل از آنالیز نمونه‌های خرده سنگی. تمام نمونه‌هایی که میزان طلای آن‌ها کمتر از ۰/۱ گرم در تن است در آزمایشگاه ACME کانادا با دستگاه ICP-MS و با روش 1DX آنالیز شده‌اند و سایر نمونه‌ها در آزمایشگاه زر آزما برای طلا به روش Fair assay و برای سایر عناصر با دستگاه ICP-OES و به روش ME-02 آنالیز شده‌اند.

Sample	X	Y	Au(ppb)	Ag(ppm)	As(ppm)	Mo(ppm)	Cu(ppm)	Pb(ppm)	Zn(ppm)	Sb(ppm)
S-C-۳	۷۱۵۳۴۵	۳۴۳۳۴۸	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۴	۷۱۵۳۲۲	۳۴۳۳۲۲۷	<۰/۱ppm	۰/۴	۳۲	۴/۸	۱۵/۹	۱۵/۹	۷	۱۴/۶
S-C-۸	۷۱۲۴۴۲	۳۴۳۲۹۷۴	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۱۰	۷۱۲۵۲۹	۳۴۳۲۶۴۰	<۰/۱ppm	۰/۲	۸	۴/۶	۵	۱۷/۶	۳	۱/۲
S-C-۱۱	۷۱۲۵۱۱	۳۴۳۲۷۳۸	<۰/۱ppm	<۰/۱	۳۱	۸	۸/۷	۱۳/۹	۲	۱/۳
S-C-۱۲	۷۱۲۳۵۹	۳۴۳۲۸۰۲	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۱۵	۷۱۰۷۰۵	۳۴۳۱۸۲۶	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۱۹	۷۱۲۷۰۱	۳۴۳۲۲۵۸	<۰/۱ppm	<۰/۱	۲۷	۳/۳	۴/۱	۱۴/۵	۵	۱/۷
S-C-۲۰	۷۱۲۷۶۲	۳۴۳۲۲۶۵	۵	<۰/۱	۱۹	۴/۲	۴/۹	۱۹/۲	۵	۱/۱
S-C-۲۱	۷۱۲۷۷۰	۳۴۳۲۱۷۶	۲۵	<۰/۱	۲۵	۴/۵	۵	۱۹/۷	۵	۱/۷
S-C-۲۲	۷۱۴۵۵۵	۳۴۳۲۳۴۰	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۲۳	۷۱۴۲۹۶	۳۴۳۲۳۴۰	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۲۴	۷۱۴۱۸۰	۳۴۳۲۲۹۸	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۲۵	۷۱۲۸۱۰	۳۴۳۲۲۵۸	۶	<۰/۱	۲۶	۴/۲	۵/۳	۲۰/۴	۳	۱
S-C-۲۶	۷۱۲۸۵۲	۳۴۳۲۲۴۷	۷	<۰/۱	۱۹	۳/۵	۳/۹	۱۱/۲	۳	۱/۴
S-C-۲۸	۷۱۲۸۴۰	۳۴۳۲۱۵۲	۲۶	۰/۳	۳۵	۵/۹	۷/۶	۱۸/۱	۸	۱/۹
S-C-۲۹	۷۱۲۹۰۳	۳۴۳۲۱۹۰	۵	۰/۲۶	۱۳/۳	۷/۵	۱۳	۴۱	۱۵	۱/۱۱
S-C-۳۰	۷۱۲۹۷۲	۳۴۳۲۲۱۰	<۰/۱ppm	<۰/۱	۲۰	۸/۶	۴/۱	۱۸/۱	۴	۱/۵
S-C-۳۲	۷۱۲۰۲۰	۳۴۳۲۲۷۰	<۰/۱ppm	<۰/۱	۵	۴/۹	۷/۵	۳۰/۹	۴	۱/۳
S-C-۳۳	۷۱۲۹۳۰	۳۴۳۲۳۰۸	<۰/۱ppm	<۰/۱	۱۱	۵	۶	۲۰/۴	۵	۱/۳
S-C-۳۶	۷۱۳۰۷۲	۳۴۳۲۳۱۲	<۰/۱ppm	<۰/۱	۵	۸/۴	۴/۵	۱۰/۵	۵	۱/۴
S-C-۳۸	۷۱۳۱۰۹	۳۴۳۲۳۱۶	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۳۹	۷۱۳۱۴۵	۳۴۳۲۴۱۷	<۰/۱ppm	<۰/۱	۱۵	۷/۴	۳/۹	۱۵/۵	۴	۱/۲
S-C-۴۰	۷۱۳۱۵۳	۳۴۳۲۳۸۶	<۰/۱ppm	۰/۴	۵	۸/۸	۹/۴	۲۲/۴	۲	۱/۳
S-C-۴۱	۷۱۳۲۰۳	۳۴۳۲۲۵۱	۵	۰/۳	۷	۹/۵	۵/۶	۱۹/۲	۴	۱/۶
S-C-۴۲	۷۱۳۲۰۹	۳۴۳۲۲۱۹	۸	۰/۳	۸	۱۹/۲	۶/۳	۱۳/۱	۴	۱/۴
S-C-۴۳	۷۱۳۲۷۵	۳۴۳۲۱۶۲	۹۳	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۴۴	۷۱۳۲۹۸	۳۴۳۲۰۳۷	۱۹	<۰/۱	۵۰	۱۹/۲	۱۰/۶	۲۲/۲	۱۱	۱/۹
S-C-۴۵	۷۱۳۵۹۰	۳۴۳۱۸۲۵	۵	-	-	-	-	-	-	-
S-C-۴۶	۷۱۳۶۳۵	۳۴۳۲۳۲۳	۸	۰/۲	۴	۱۳/۱	۶/۸	۳۰/۷	۱۰	۱/۳
S-C-۴۷	۷۱۲۷۳۷	۳۴۳۲۶۰۰	<۰/۱ppm	<۰/۱	۲۲	۰/۸	۱۴/۸	۴۱/۹	۱۱۳	۲/۴
S-C-۴۸	۷۱۲۷۲۷	۳۴۳۲۱۹۱	۶	۰/۲۱	۲۵/۷	۱/۳۷	۴	۳۶	۱۴	۱/۰۹
S-C-۴۹	۷۱۲۸۹۷	۳۴۳۲۱۱۷	۵	۰/۲۱	۱۸/۸	۱۳/۱	۴	۵۱	۱۱	۱/۰۸
S-C-۵۰	۷۱۲۹۵۶	۳۴۳۲۲۱۷	۱۹	۰/۳۶	۲۸/۲	۳۱/۸	۷	۳۹	۱۳	۱/۱
S-C-۵۱	۷۱۳۰۶۱	۳۴۳۲۲۳۲	۵	۰/۲۸	۱۴	۱۲	۵	۳۸	۱۶	۱/۱۶
S-C-۵۲	۷۱۳۰۳۵	۳۴۳۲۲۵۹	۵	۰/۲	۱۹/۷	۹/۸	۳	۳۴	۱۰	۱/۱
S-C-۵۳	۷۱۳۰۷۴	۳۴۳۲۳۱۰	۵	۰/۲۱	۶/۵	۶/۱	۲	۳۲	۹	۱/۰۷



شکل ۱۰ موقعیت و میزان عنصر طلا (الف) و مولیبدن (ب) که بر روی نقشه زمین‌شناسی نشان داده شده‌اند.

برداشت

منطقه پی‌جویی سیمرغ از سنگ‌های آتشفشانی، آذرآواری و توده‌های نیمه عمیق نفوذی تشکیل شده است. واحدهای نیمه-عمیق به دو شکل توده‌های دیوریت سبز رنگ و دایک‌هایی سفید گرانودیوریتی با راستای شمال شرقی جنوب غربی در سرتاسر منطقه گسترش دارند. سنگ‌های آتشفشانی دارای گسترش زیادی در سطح منطقه هستند و واحدهای دارای کانی‌سازی پیریت در مرکز گستره رخنمون شدند. بر اساس پردازش تصاویر ماهواره‌ای و شواهد صحرایی، دگرسانی قابل توجهی در سطح منطقه قابل رویت است. منطقه‌های اصلی دگرسانی شامل پروپیلیتیک، کربنات + کلریت، سیلیسی،

آرژلیک و سرسیتیک‌اند. کانی‌سازی به دو صورت برون‌زاد و درون‌زاد قابل مشاهده‌اند. کانی‌سازی درون‌زاد در درون توده-های نفوذی نیمه‌عمیق و دیوریتی به صورت کانی مگنتیت به شکل پراکنده و در درون دایک‌های سفید، واحد ریوداسیت تا هورنبلند ریوداسیت و برش گرمایی به صورت کانی‌سازی پیرت پراکنده و رگچه‌ای مشاهده می‌شود. کانی‌های برون‌زاد بیشتر شامل اکسیدهای آهن ناشی از اکسید شده پیریت هستند. برش گرمایی یکی از میزبانان کانی‌سازی پیریت در سطح منطقه است. این واحد در بخش مرکزی محدوده وسعت قابل توجهی را به خود اختصاص داده است.

[7] Alavi M., "Tectonic map of the Middle East", scale 1:2.900.000, Geological Survey of Iran (1991).

[۸] سمیعی س.، کریم‌پور م.ح.، قادری م.، حیدریان شهری م.ر.، "زمین‌شناسی، دگرسانی، کانی‌سازی و ژئوشیمی محدوده-ی خونیک، جنوب بیرجند"، مجله بلور شناسی و کانی شناسی ایران، شماره ۳، جلد ۲۱، (۱۳۹۱)، ص ۴۸۷-۴۹۸.

[90] Hedenquist J.W., Arribas A., Gonzales-Urien E., "Exploration for epithermal gold deposits", Reviews in Economic Geology 13(2000) 245-277.

[۹] ملک‌زاده سفارودی آ.، "زمین‌شناسی، کانی‌سازی، دگرسانی، ژئوشیمی، تفسیر داده‌های ژئوفیزیکی، میکروترمومتری، مطالعات ایزوتوپی و تعیین منشأ کانی‌سازی مناطق اکتشافی ماهرآباد و خوئیک، استان خراسان جنوبی"، پایان نامه دکتری زمین‌شناسی اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۳۸۸)، ۶۰۰ صفحه.

[۱۰] ارجمندزاده ر.، "مطالعات کانی‌سازی، ژئوشیمی، سن-سنجی و تعیین جایگاه تکتونوماگمایی توده‌های نفوذی در اندیس معدنی دهسلم و چاه شلغمی"، بلوک لوت، شرق ایران، پایان نامه دکتری، (۱۳۹۰) ۳۶۹ صفحه.

[۱۱] میری بیدختی ر.، کریم‌پور م. ح.، مظاهری س.ا.، "مطالعه کانی‌زایی طلا، مس و روی در منطقه بالازرد، غرب شهرستان نهبندان"، چهارمین همایش انجمن زمین‌شناسی اقتصادی ایران، دانشگاه بیرجند (۱۳۹۱) ص ۱۵۰-۱۵۵.

[۱۲] عبدی م.، کریم‌پور م.ح.، "زمین‌شناسی، دگرسانی، کانی‌زایی، پتروژنز، سن‌سنجی، ژئوشیمی و ژئوفیزیک هوابرد منطقه اکتشافی کوه شاه، جنوب غرب بیرجند"، مجله زمین‌شناسی اقتصادی ایران، شماره ۱، جلد ۴، (۱۳۹۱)، ص ۷۷-۱۰۷.

[۱۳] کریم‌پور م.ح.، ملک‌زاده سفارودی آ.، فارمر لنگ، استرن چاک، "پتروژنر گرانیتوئیدها، سن‌سنجی زیرکن به روش U-Pb، ژئوشیمی ایزوتوپ‌های Sr-Nd و رخداد مهم کانی‌سازی ترشیری در بلوک لوت، شرق ایران"، مجله زمین‌شناسی اقتصادی ایران، شماره ۱، جلد ۴ (۱۳۹۱) صفحه ۱-۲۷.

[۱۴] برآبادی ر.، مظاهری س.ا.، ابراهیمی خ.، "زمین‌شناسی، دگرسانی و اکتشافات ژئوشیمیایی در منطقه اکتشافی سیمرغ، جنوب غرب شهرستان نهبندان، استان خراسان جنوبی"،

نمونه‌برداری ژئوشیمیایی از واحدهای سنگی منطقه بالاترین بهنجاری عنصر طلا را به همین برش گرمابی با دگرسانی سیلیسی شدید + آرژلیک نشان می‌دهد. بقیه عناصر مثل مس، سرب، روی، نقره بی‌هنجاری شاخصی نشان نمی‌دهند. مولیبدن و آنتیموان در برخی نمونه‌ها دارای بی‌هنجاری هستند. بالاترین میزان مولیبدن و آنتیموان به ترتیب ۳۳ و ۱۴ گرم در تن است. وجود سنگ‌های آتشفشانی مثل داسیت، توده‌های نفوذی نیمه‌عمیق، وجود دگرسانی‌های وسیع و گسترده (آرژلیک، پروپلیتیک، سیلیسی و سرسیتی)، حضور کانی‌سازی سولفیدی به‌صورت پراکنده و رگچه‌ای، وجود برش-های گرمابی دارای پیریت و داده‌های ژئوشیمیایی که بیانگر بی‌هنجاری طلا هستند و حضور بهنجاری‌های طلا در منطقه‌ی ده سلم و منطقه بالا زرد (۴۰ کیلومتری شمال غرب منطقه‌ی مورد بررسی) [۱۱] به عنوان مهم‌ترین کلیدهای پی‌جویی، می‌توانند ارتباط این منطقه را با کانی‌سازی طلای وراگرما با میزان برشی نشان دهند.

مراجع

[۱] حسینی ض.، افشاریان زاده م.، چاپچی ز.، "نقشه زمین‌شناسی ۱:۲۵۰۰۰ ده سلم (چاه وک)"، انتشارات سازمان زمین‌شناسی کشور، (۱۳۷۱).

[۲] باباخانی ع.ر.، خلقی م.ح.، زاده‌کبیر ح.، "نقشه زمین‌شناسی ۱:۲۵۰۰۰ نخیل آب (آب سرد)"، انتشارات سازمان زمین‌شناسی کشور، (۱۳۶۷).

[۳] اکرمی م.ع.، نادری میقانن.، "نقشه زمین‌شناسی ۱:۱۰۰۰۰ ده سلم"، انتشارات سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی، (۱۳۸۴).

[۴] آقائباتی ع.، "زمین‌شناسی ایران"، سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور، (۱۳۸۳)، ۶۰۶ صفحه.

[5] Ruttner A., Stocklin J., "Geological map of Iran", scale 1:1000.000, Geological Survey of Iran (1967).

[6] Berberian M., King G. C. P., "Towards a paleogeography and tectonic evolution of Iran", Canadian Journal of Earth Sciences 18 (1981) 210-265.

deposits in a laramide hydrothermal system, Sombrero Butte, Pinal county, Arizona", a Manuscript Submitted to the Faculty of the department of geosciences in partial fulfillment of the requirements for the Degree of master of sciences in the graduate the university of Arizona (2007) 120.

[24] Kouhestani H., Ghaderi M., Zaw Kh., Meffre S., Emami M. H., "Geological setting and timing of the Chah Zard breccia-hosted epithermal gold-silver deposit in the Tethyan belt of Iran", *Miner Deposita*, 47 (2011) 425-440.

[25] Rowe A., "Fluid evolution of the magmatic hydrothermal breccia of the Goat Hill orebody, Questa Climax-type porphyry molybdenum system, New Mexico- a fluid inclusion study", unpublished thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Master of Science in Geology (2005) 145.

[26] Hedenquist J.W., Arribas A., Gonzales-Urien E., "Exploration for epithermal gold deposits", *Reviews in Economic Geology* 13 (2000) 245-277.

[27] Laznicka P., "Breccias and ore. Part 1: History, organization and petrography of breccias", *Ore Geology Rev.* (1989) 314-344.

[28] Robert F., Brommecker R., Bourne B.T., Dobak P.J., McEwan, C.J., "Fifth Decennial International Conference on Mineral Exploration", *Ore Deposits and Exploration Technology*, Paper 48 (2007) 691-711.

[29] Rose A.W., Burt D.M., "Hydrothermal alteration in Barnes, H.L., ed, "Geochemistry of hydrothermal ore deposits", New York, USA, John Wiley and Sons (1979) 173-235.

[۳۰] کریم‌پور م.ح، ملک‌زاده شفاوردی آ، حیدریان شهری م.ح، "اکتشافات ذخایر معدنی (مدل‌های زمین‌شناسی، ژئوشیمی، ماهواره‌ای و ژئوفیزیک)", انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۸۴) ۶۳۲ صفحه.

پنجمین همایش انجمن زمین شناسی اقتصادی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، (۱۳۹۲)، ص ۴۳-۴۸.

[15] Rowan L.C., Schmidt R.G., Mars J.C., "Distribution of hydrothermally altered rocks in the Reko Diq, Pakistan mineralized area based on spectral analysis of ASTER data", *Remote Sensing of Environment* 104 (2006) 74-87.

[16] Robert F., Brommecker R., Bourne B.T., Dobak P.J., McEwan C.J., "Fifth Decennial International Conference on Mineral Exploration", *Ore Deposits and Exploration Technology Paper* 48(2007) 691-711.

[17] Pérez D.J., Crósta A.P., Souza Filho C.R., Marin G., "Mineral mapping exploration using hyperspectral AVIRIS data in Los Menucos area, Río Negro province (67°51'W- 40°53'S), Argentina" (2000) 99-672.

[۱۸] معصومی ف، رنجبر ح، "مقایسه بین داده‌های تصحیح شده سنجنده ASTER با روش‌های نرمالیزه شده، میانگین بازتاب داخلی نسبی و لگاریتم باقیمانده جهت نقشه‌برداری از کانی‌های مناطق دگرسان شده"، سیزدهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران، ص ۳۱۲-۳۱۵.

[19] Zhonghai He., Binbin He., Cui ying, "Hydrothermal alteration mapping using Asterdata in east Kunlun mountain, China", *Sci. & Technol. of China*, Chengdu, China (2010) 4514-4517.

[20] Ishihara S., "The granitoid series and mineralization", *ECONOMIC GEOLOGY*, 75th Annive. (1981) 458- 484.

[21] Laurentiu Nadasan, Floarea Nadasan, "Gold mineralisation in hydrothermal-breccia from South Eastern part of Frasin deposit", Bucium district, Apuseni Mountains, Romania, *Geochemistry, Mineralogy and Petrology* 43 (2005) 133-137.

[22] Arato R., Kiss G., Molnar F., "Mineralogy and petrology and origin of a hydrothermal breccia in the Recsk porphyry - epithermal ore complex, Ilona Valley, Parad, (NE-Hungary)", *Acta Mineralogica-Petrographica, Abstract Series*, Szeged, 7 (2012) 6.

[23] Amy B. Eichenlaub, "Exploration of genetic links between breccia pipes and porphyry copper